

پژوهشنامه حج و زیارت

سال اول، شماره دوم

پاییز و زمستان ۱۳۹۵

صفحات ۱۴۴-۱۱۳

بیوت مرفّع اهل بیت علیهم السلام

غلامرضا رضایی*

چکیده

ابن تیمیه و به تبع او وهابیان، ادعا کرده‌اند که به اجماع عالمان مسلمان، از واژه «بیوت» در آیه شریفه «رفع بیوت»، فقط مساجد اراده شده است و هم‌ردیف دانستن فضیلت عبادت در بیوت و مراقده مطهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام با مساجد، بدعت و شرک است. درحالی‌که اولاً، ادعای اجماع، خلاف واقع است؛ ثانیاً، بنابر تحقیق، مراد اصلی از بیوت در آیه یادشده، بیوت و مراقده مطهر پیامبران علیهم السلام، به ویژه بیوت و مراقده مطهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام است و شمول آیه بر مساجد و بیوت مؤمنان که واجد ویژگی‌های یادشده در آیه می‌باشند، از طریق تنقیح مناط است؛ زیرا در کتب لغت، معنای بیت غیر از معنای مسجد است و در آیات قرآن نیز این تفاوت معنایی مشهود می‌باشد. وجود احادیث مستفیض که صریحاً آیه شریفه را به بیوت یادشده تفسیر کرده‌اند، دلیل مهم دیگر است. آیه ۷۳ سوره هود و ۳۳ سوره احزاب نیز قرینه است.

کلید واژه: بیوت، مساجد، رفعت، پیامبران علیهم السلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، اهل بیت علیهم السلام، وهابیت.

(gh.rezaee@hzrc.ac.ir)

* عضو گروه کلام و معارف پژوهشکده حج و زیارت.

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، همچون قرآن کریم، امانت سنگین و خطیری هستند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در طول زندگی مبارک خود پیوسته مسلمانان را به رعایت حقوق، و حفظ جایگاه آن بزرگواران سفارش فرموده است. افزون بر آن، آیات فراوانی از قرآن کریم نیز درباره رعایت حقوق و جایگاه ایشان نازل شده است. از جمله آیه ۳۶ سوره شریفه نور که در این نوشتار از آن به آیه «رفع بیوت» تعبیر می شود. آیه شریفه می فرماید: ﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكِّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾ «در خانه هایی که خدا رخصت داده رفعت یابند و نامش در آنها یاد شود، در آن [خانه] ها هر بامداد و شامگاه او را نیایش می کنند».

مراد از بیوت یادشده، هم می تواند محل سکونت آن بزرگواران در زمان حیاتشان، و هم مرقد مطهر آنان بعد از شهادت و رحلتشان باشد؛ مکان های مقدسی که یاد خدای متعال در آنها پیوسته بر سر زبان ها و در اعماق جان ها جاریست و همه به تسبیح و تحمید او مشغول اند.

مقاله حاضر، با بررسی دیدگاه های مختلف درباره مصادیق «بیوت» در آیه شریفه و اثبات دیدگاه یادشده، در پی به دست آوردن نتایج ذیل است:

۱. شناساندن گوشه ای از مقام و منزلت اهل بیت علیهم السلام و اینکه بیوت و مراقد مطهر آن بزرگواران از سایر بیوت برتر است و پیوسته مورد توجه و عنایت خدای متعال بوده و خواهد بود؛

۲. جواز، بلکه لزوم زیارت و رفت و آمد مستمر به بیوت و مراقد مطهر پیامبران علیهم السلام و اهل بیت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله برای بهره مندی از فیض و نور هدایت خدای متعال در آن اماکن مقدس (با توجه به آیه نور)؛

۳. معلوم شدن وظیفه مسلمانان در لزوم تعظیم، تکریم و حفظ قداست بیوت و مراقد یادشده به عنوان عمل به مفاد آیه شریفه؛

۴. اثبات اینکه عبادت خداوند متعال، دعا و مناجات با حضرت حق در بیوت یادشده نه تنها بلامانع است، بلکه بر خلاف ادعای ابن تیمیه و وهابیان، که این بیوت را از مصداق آیه شریفه خارج می‌دانند، از سایر مکان‌ها پرفضیلت‌تر است.

طرح مسئله

خدای متعال در آیه شریفه «رفع بیوت» می‌فرماید:

﴿فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْأَعْدُوِّ

الْأَصَالِ﴾، در خانه‌هایی که خدا اجازه داده [قدر و منزلت آنها] رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود، در آن [خانه]‌ها هر بامداد و شامگاه او را نیایش می‌کنند (نور، ۳۶).

مراد از «بیوت» در این آیه شریفه، بیوت و مراقد مطهر پیامبران الهی عليهم‌السلام به ویژه بیوت و مراقد مطهر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت عصمت و طهارت عليهم‌السلام است^۱ و منظور از رفع آنها، رفعت معنوی، یعنی تکریم، تعظیم و احترام آنهاست. این نظر به احادیثی مستند است که ذیل آیه شریفه، در متون روایی شیعه و اهل سنت آمده است و افزون بر آن، قرائن داخلی و خارجی نیز بر درستی این دیدگاه دلالت می‌کند. در نتیجه ضرورت تعظیم، تکریم و حفاظت از مراقد مطهر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت گرامی آن حضرت عليهم‌السلام از آیه شریفه فهمیده می‌شود.

وهابیان در کتب، مجلات و شبکه‌های ماهواره‌ای نسبت به این دیدگاه واکنش نشان داده و دلالت آیه شریفه را بر معنای مزبور انکار کرده‌اند. (ابن عبدالوهاب، ۱۴۲۰ق، ص ۳۵۹؛ القفاری، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۵۰؛ ناصر بن علی عائض، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۵۷۲-۵۷۴؛ منتدی الدراسات، ۱۴۲۹ق، ش ۲، ج ۱۲، ص ۲۸۰ و ج ۳۵، ص ۱۴۶، ش ۳ و ج ۴۴ ص ۳۳۵؛ الهاللی، ۱۳۰۷ش، ص ۵۷-۶۲؛ امواج شبهه، ۱۳۹۴ش، ش ۵۴، ص ۱۶)

واکنش آنان در واقع تحت تأثیر از دیدگاه ابن تیمیه (م ۷۲۸ق.) درباره آیه شریفه

است. ابن تیمیه معتقد است هرگونه اجتماع برای هر قسم عبادت، تنها در مساجد مشروع است؛ زیرا تنها مصداق «بیوت» در آیه ۳۶ سوره نور، مساجدند. (ابن تیمیه، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۳۹۹). او اعتقاد به یکسان بودن فضیلت نماز، دعا، قرائت قرآن، ذکر و سایر عبادات در مراقد مطهر پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصوم علیهم السلام با مساجد را بدعت، ضلالت و شرک دانسته و معتقدان به آن را پیرو زندیقان منافق شمرده است. (ابن تیمیه، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۵۱۹؛ همو، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۶۸)

ابن تیمیه افزون بر این، مدعی است که همه مردم به اتفاق از آیه همین برداشت را کرده‌اند: «الْأَيَةُ بِاتِّفَاقِ النَّاسِ هِيَ فِي الْمَسَاجِدِ». (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۹۱-۹۵)

آشنایی اجمالی با آیه

در اینجا لازم است توضیح مختصری درباره بعضی کلمات به کار رفته در آیه و جایگاه آن، عرضه شود.

کلمه «اذن» در هر چیز، به معنای اعلام این است که برای انجام دادن آن مانعی نیست (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۹) و مراد از «رفع بیوت»، رفع قدر و منزلت و لزوم تعظیم آنهاست (المرسی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۲۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۱۳۰) و علت رفعت آن بیوت، برده شدن نام خدای متعال در آنهاست و از سیاق «یذکر اسم» استفاده می‌شود که یاد شدن نام خدا استمراری است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۱۲۶)

عبارت «فی بیوت» متعلق به کلمه «کمشکاة» (صافی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۸، ص ۲۶۸) یا متعلق به فعل «یهدی»، در آیه قبل است^{۲ و ۳} و هر دو به یک معناست (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۱۳۶).

«تسیح خدا» به معنای تنزیه او از هر چیزی است که لایق ساحت قدس او نیست. (دینوری، ۱۳۹۷ق، ج ۱، ص ۱۶۹؛ احمد مختار، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۱۰۲۴) و کلمه

«غدو»، جمع غداة به معنای صبح است. (فیومی، بی تا، ج ۲، ص ۴۴۳)، و کلمه «أصال» جمع اصیل به معنای عصر است (احمد مختار، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۰۱)، و در صبح و شام بودن تسبیح، کنایه از استمرار این عمل است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۱۲۶) آیه شریفه بعد: «رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ...» (نور: ۳۷)،^۴ صفت بیوت یا جمله استینافیه (جدید) است که جمله «يَذْكُرُ فِيهَا اسْمُهُ» را تبیین، و چگونگی برده شدن نام خدا را معلوم می کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۱۲۶)

بیان دیدگاه‌ها

دیدگاه اهل سنت درباره مصادیق بیوت

اینکه مراد از بیوت در آیه شریفه کدام است؟ آیا تنها مساجد اراده شده، یا خانه‌ها، یا هر دو؟ و اگر خانه‌ها اراده شده، آیا خانه‌های همه مؤمنان مراد است یا خانه‌های خاص، بین مفسران اهل سنت اختلاف شدید است. دیدگاه‌های مطرح در این باره به بیش از ده مورد می رسد. این کثرت اختلاف از آن روست که در این باره حدیث چندانی در منابع روایی و تفسیری اهل سنت نیامده است؛ لذا مفسران مجبور بوده‌اند در تعیین مصداق «بیوت» یا به قول صحابه استناد کنند یا به برداشت‌های شخصی خود از آیه شریفه بسنده نمایند.

ابن جریر طبری (م ۳۱۰ق.)، مفسر معروف اهل سنت، در این باره گفته است:

مفسران در اینکه مقصود از «بیوت» چیست، دچار اختلاف نظرند؛ برخی نظر ما، یعنی مراد بودن مساجد را پذیرفته‌اند و برخی دیگر از «بیوت» همه خانه‌ها را فهمیده‌اند، از جمله عکرمه که گفته همه خانه‌ها مراد است. (طبری، ۱۴۲۰ق، ج ۱۹، ص ۱۹۰)

طبری برای دیدگاه خود جز موافقت چند نفر از صحابه و برداشت خود از آیه شریفه «يَسْبُحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ» دلیلی ارائه نکرده است. برداشت او از آیه این است که چون تنها مساجدند که به نیت

عبادت ساخته شده‌اند، از این رو مراد از بیوت، مساجد است. (ر.ک: همان، ۱۴۲۰ق، ج ۱۹، ص ۱۹۰) در حالی که هر دو استدلال ابن جریر فاقد ارزش علمی است؛ زیرا دیدگاه صحابه، اگر به حدیث صحیح و صریح پیامبر اکرم ﷺ مستند نباشد، اجتهاد شخصی آنان تلقی می‌شود و اجتهاد شخصی صحابی برای دیگر صحابه و سایر مجتهدان حجت شرعی نیست. (ابن الصلاح، ۱۴۰۶ق، ص ۱۲۴؛ نووی، ۱۴۰۵ق، ص ۳۴) نادرستی استنباط او از آیه شریفه نیز در ادامه معلوم خواهد شد.

ابن ابی حاتم (م ۳۲۷ق.) برای مصداق بیوت، پنج دیدگاه برشمرده و از قائلان آنها نیز نام برده است: ۱. همه مساجد؛ ۲. چهار مسجد معروف که به دست پیامبران ﷺ ساخته شده است: کعبه، بیت اریحا (بیت المقدس)، مسجد النبی ﷺ مدینه و مسجد قبا؛ ۳. بیوت پیامبر اکرم ﷺ؛ ۴. همه بیوتی که در آنها خدای متعال یاد می‌شود؛ نه مساجد؛ زیرا خداوند از آنها با همان اسم یاد کرده است؛ ۵. بیت المقدس که هر شب در آن ده هزار قندیل روشن می‌شود. (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۲۶۰۴ و ۲۶۰۵) جالب اینکه دیدگاه‌های یادشده نیز به هیچ حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ مستند نشده است.

ابو اسحاق ثعلبی (م ۴۲۷ق.) افزون بر دیدگاه‌های مزبور وجه دیگری برای «بیوت» ذکر کرده و بر خلاف وجوه قبلی، آن را به فرمایش پیامبر اکرم ﷺ نیز مستند کرده است. او از انس بن مالک و بُریده اسلمی روایت کرده و آن دو از پیامبر اکرم ﷺ روایت کرده‌اند که چون پیامبر اکرم ﷺ آیه شریفه: «فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ...» را قرائت فرمود، شخصی برخاست و پرسید: «ای رسول خدا ﷺ این بیوت کدام‌اند؟» پیامبر ﷺ فرمود: «بیوت پیامبران ﷺ». در این هنگام ابوبکر برخاست و در حالی که به خانه امیر مؤمنان ﷺ و حضرت فاطمه زهرا ﷺ اشاره می‌کرد، پرسید: «ای رسول خدا ﷺ! آیا این خانه نیز جزء آنهاست؟» پیامبر ﷺ فرمود: «آری، از افضل آنهاست». (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۷، ص ۱۰۶)

جلال‌الدین سیوطی (م ۹۱۱ق.)، از علمای بزرگ اهل سنت، در تفسیر خود ذیل

آیه شریفه به این حدیث استناد کرده است. (ر.ک: سیوطی، بی تا، ج ۶، ص ۲۰۳) شهاب الدین آلوسی (م ۱۲۷۰ق.)، از مفسران معروف اهل سنت نیز، این حدیث را در تفسیر خود آورده و افزوده است: «اگر این روایت صحیح باشد، سزاوار نیست [در تفسیر آیه] از آن عدول کنیم». (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۳۶۷)

ثعلبی، افزون بر حدیث یادشده، حدیثی نیز از امام صادق علیه السلام نقل کرده که حضرت فرموده است: «منظور از بیوت، خانه‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است». (الثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۷، ص ۱۰۶)

فخر رازی (م ۶۰۶ق.) گفته است: «اکثر مفسرین بر آن اند که از بیوت، مساجد اراده شده است؛ لکن از عکرمه نقل شده که منظور، همه بیوت است» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۴، ص ۳۹۶). فخر در اینجا دیدگاه اکثریت را می‌پذیرد و برای آن نیز دو دلیل بیان می‌کند: یکی اینکه در بیوت چیزهایی وجود دارد که نمی‌توان گفت خدا به رفعت آنها اذن داده است: «أَنَّ فِي الْبُيُوتِ مَا لَا يُمْكِنُ أَنْ يَوْصَفَ بِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَذِنَ أَنْ تُرْفَعَ»؛ دیگر اینکه خدای متعال بیوت مورد نظر را به ذکر و تسبیح و نماز توصیف کرده و فرموده است: «يَذْكُرُ فِيهَا اسْمُهُ...»، و این ویژگی‌ها تنها شایسته مساجد است (همانجا).

ولیکن بطلان استدلال فخر واضح است؛ زیرا آنچه فخر از ویژگی‌های مساجد برشمرده، مختص آنجا نیست؛ چه اینکه مؤمنان در خانه‌های خود نیز همان‌ها را انجام می‌دهند و این هم به سفارش اکید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که به مسلمانان فرمود: «خانه‌های خود را نیز به سان مساجد، با انجام دادن نمازهای نافله، قرائت قرآن و مانند آن، نورانی کنید».^۵

ابن عربی (م ۶۳۸ق.) از «بیوت»، تفسیری عرفانی ارائه داده و آن را به مقامات معنوی انسان معنا کرده است. به گفته او مراد از بیوت، مقام نفس، مقام قلب، مقام سرّ، مقام روح و مقام ذات انسان است که هر کدام به اذن خدای متعال با امور

مناسب خود رفعت می یابند. (ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۷۶)

شهاب الدین آلوسی (م ۱۲۷۰ق). افزون بر موارد پیشین، سه دیدگاه دیگر را نیز یادآور شده است. او از قول ابو حیان گفته است:

از بیوت، ظاهراً مطلق مساجد و خانه هایی که در آنها نماز و جلسات علمی برگزار می شود، اراده شده است و همچنین می تواند نماز مؤمنان یا ابدان آنان نیز اراده شده باشد؛ به این صورت که نمازهای جمعه و جماعات مؤمنان که مشتمل بر عبادات قولی و فعلی است یا ابدان آنان که احاطه به انوار الهی است، نخست به بیوت تشبیه گردیده و سپس از آن استعاره آورده شده است. (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۳۶۷)

غیر از نظریات یادشده دیدگاه های دیگری نیز مطرح است؛ مثل اینکه گفته شده مراد از بیوت، اهل بیت آن حضرت علیهم السلام است و قرینه آن، آیه شریفه «فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (ذاریات، ۳۶)،^۶ است؛^۷ یا اینکه گفته شده آیه شریفه، به قلب انسان های مؤمن اشاره دارد و قرینه آن، حدیث «لا تدخل الملائكة بیتا فيه کلب ولا صورة». (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۸۲) است و منظور از کلب هم صفات رذیله آدمی است. (قشیری، بی تا، ج ۲، ص ۶۱۴؛ ایبازی، ۱۴۰۵ق، ج ۸، ص ۷۳ و ۷۴)

نقد دیدگاه مشهور اهل سنت

گرچه بسیاری از مفسران اهل سنت از بین دیدگاه های یادشده مراد بودن مساجد را برگزیده اند، ولی چنانکه اشاره شد، غالب آنان در اثبات آن به هیچ حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله استناد نکرده اند و اگر هم برخی مانند شمس الدین قرطبی (م ۷۱۶ق). به حدیثی تمسک کرده است، تراجم نگاران، آن را جعلی دانسته اند.

قرطبی پس از اینکه پنج قول برای «بیوت» برشمرده، گفته است: «اظهر قول اول (مساجد) است؛ زیرا انس بن مالک از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده: «مَنْ أَحَبَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ... فَلْيَحِبِّ الْمَسَاجِدَ فَإِنَّهَا أَقْنِيَةُ اللَّهِ أَبْنِيَّتُهُ، أَدْنَى اللَّهِ فِي رَفْعِهَا وَبَارَكْ فِيهَا...». (قرطبی، ۱۳۸۴ق، ج ۱۲، ص ۲۶۶).^۸

گرچه این بخش حدیث که «مساجد ابنیه خدای متعال اند و خداوند اجازه فرموده که رفعت یابند»، تا اندازه‌ای بر دیدگاه مزبور دلالت دارد،^۹ اما مشکل حدیث این است که اولاً، در متون روایی معتبر و متقدم اهل سنت نیامده است؛ ثانیاً، سایر مفسران اهل سنت به این حدیث استناد نکرده‌اند؛ ثالثاً، برخی از راویان حدیث به شدت تضعیف شده‌اند؛ رابعاً، خود حدیث نیز به جعلی بودن حکم شده است.^{۱۰}

ابن عدی (م ۳۶۵ق.) حدیث یادشده را از موسی بن عبدالرحمن ثقفی نقل کرده و به جعلی بودن آن تصریح کرده است. (ابن عدی، ۱۴۱۸ق، ج ۸، ص ۶۷) شمس‌الدین ذهبی (م ۷۴۸ق.) حدیث را مرفوع دانسته (ذهبی، ۱۳۸۲، ج ۴، ۲۱۱) و درباره موسی گفته که او دجال (همو، ۱۳۸۷ق، ص ۴۰۲) و هالک است. وی همچنین از ابن حبان نیز نقل کرده که موسی یک کتاب تفسیر به دروغ به ابن عباس نسبت داده است. (همو، بی تا، ج ۲، ص ۶۸۴) ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ق.) نیز به عدم وثاقت وی تصریح کرده است. (عسقلانی، ۱۳۹۰ق، ج ۶، ص ۱۲۴) ابومعمر، عباد بن عبدالصمد نیز یکی دیگر از راویان است که مورد مذمت است. ابن حبان (م ۳۵۴ق.) در جایی او را منکر الحدیث دانسته (ر.ک: ابن حبان، ۱۳۹۶ق، ج ۲، ص ۱۷۰) و در جای دیگر گفته است:

ابومعمر به انس بن مالک حدیثی نسبت می‌دهد که انس هیچ‌گاه آن را به زیان نیاورده است. از این رو نام بردن از او جز برای شناسایی اش به دیگران، جایز نیست. (همان، ۱۳۹۴ق، ج ۳، ص ۱۵۵)

ابن عدی نیز گفته است که عباد از انس، احادیث منکر روایت می‌کند. (ابن عدی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۵۵۱)

اشکال دیگری که درباره دیدگاه یادشده (مراد بودن مساجد) مطرح است، اینکه در زمان نزول آیه شریفه، هنوز استفاده از مصباح (چراغ) در مسجد مسلمانان

متداول نبود^{۱۱} و آغاز آن، بنا به عقیده برخی از علمای اهل سنت، به زمان خلافت عمر بن خطاب می‌رسد (ر.ک: حلبی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۱۱۲؛ حقی برسوی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۰۰؛ ابن عاشور، ۱۹۸۴م، ج ۱۸، ۲۴۵)، و اگر هم گزارشی که می‌گویند تمیم داری نخستین کسی بوده که در مسجد پیامبر ﷺ چراغ روشن کرده است درست باشد، باز هم اشکال به حال خود باقی است؛ زیرا تمیم در سال نهم هجری اسلام آورده در حالی که آیه در سال‌های قبل از آن نازل شده است (ابن عاشور، ۱۹۸۴م، ج ۱۸، ۲۴۵).

در اثبات دیدگاه مزبور غیر از حدیث پیشین، حدیث:

المَسَاجِدُ بُيُوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَهِيَ تُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ التُّجُومُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ.
(طبرانی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۲۶۲).

مساجد خانه‌های خدا بر روی زمین است. این بیوت برای آسمانیان همان گونه درخشندگی دارند که ستارگان برای اهل زمین می‌درخشند.

نیز مورد استناد برخی از مفسران اهل سنت قرار گرفته است. (واحدی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۶، ص ۲۸۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۴، ص ۳۹۶) اما این حدیث هم بر مقصود دلالتی ندارد؛ زیرا: اولاً، موقوفه است^{۱۲} و روایت موقوفه در برابر روایت مسند توان مقاومت ندارد؛ ثانیاً، تفسیر بیوت به مساجد از کعب الاحبار یهودی است.^{۱۳} همان کسی که اسرائیلیات فراوانی را در سنن و متون روایی اسلام وارد کرده است (سبحانی تبریزی، بی‌تا، ص ۱۸) و اگر ادعای علمای رجال که گفته‌اند ابن عباس از کعب الاحبار روایت نقل کرده، درست باشد (ابن ابی حاتم، ۱۲۷۱ق، ج ۷، ص ۱۶۱)، محتمل است که این روایت نیز یکی از همان اسرائیلیات باشد که تردیدی در بی‌اعتباری آنها نیست (سبحانی تبریزی، بی‌تا، ص ۲۰)؛ ثالثاً، مضمون روایتی که در اعتبار آن تردیدی نیست بر خلاف این روایت است؛ زیرا در متون روایی معتبر شیعه و اهل سنت به تضافر آمده است که پیامبر اکرم ﷺ

فرمود: «جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَطَهُورًا»؛ «برای من زمین، مسجد و پاک قرار داده شده است». (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۹۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۳۸) ۱۴ در روایت دیگر نیز آمده است:

«جُعِلَتْ لَنَا الْأَرْضُ كُلُّهَا مَسْجِدًا وَجُعِلَ تَرَابُهَا لَنَا طَهُورًا إِذَا لَمْ نَجِدِ الْمَاءَ». (ابن خزيمة، بی تا، ج ۱، ص ۱۳۳)

برای ما تمام زمین، مسجد قرار داده شده است و خاک آن، در زمانی که به آب دسترسی نداشته باشیم، برای ما طهور قرار داده شده است.

بنابراین وقتی تمام سطح زمین مسجد خدای متعال است، پس همه آن معبد او نیز خواهد بود و به مکان‌های معینی اختصاص ندارد (سبحانی تبریزی، ۱۳۷۵، ص ۲۰)؛ رابعاً، حدیث ابن عباس به منظور تفسیر آیه شریفه و در ذیل آن بیان نشده است، بلکه این حدیث مستقل از آیه و در مناسبتی دیگر بیان شده است و بر فرض پذیرش صحت آن، تنها این را می‌رساند که مساجد، بیوت خدای متعال روی زمین‌اند؛ اما اینکه مراد از بیوت در آیه شریفه نیز مساجد باشد، حدیث درباره آن ساکت است و تطبیق حدیث بر مساجد، اجتهاد شخصی افراد غیر معصوم است که حجت شرعی ندارد؛ برخلاف احادیث متضافر و مستندی که همگی مستقیماً و به منظور تفسیر آیه شریفه بیان شده‌اند و در آنها آمده است که مراد از «فی بیوت»، بیت پیامبر اکرم ﷺ، بیوت پیامبران ﷺ و بیوت اهل بیت پیامبر اکرم ﷺ است؛ خامساً، در ادامه خواهد آمد که اطلاق بیت بر مسجد، مجازی است و به قرینه احتیاج دارد.

جمع‌بندی دیدگاه‌های اهل سنت

از مجموع مطالب پیش گفته دو نکته به دست می‌آید: اولاً، بر خلاف ادعای ابن تیمیه و تابعان او، مفسران اهل سنت، در تعیین مصداق «بیوت»، نه تنها خود دیدگاه واحدی نداشته‌اند، بلکه اختلاف نظر شدید صحابه را نیز در این باره گزارش

کرده‌اند، تا جایی که دیدگاه آنان - چنانکه ملاحظه شد - به بیش از ده مورد نیز رسیده است؛ ثانیاً، علی‌رغم اینکه اکثر مفسران اهل سنت گفته‌اند مراد از «بیوت» در آیه شریفه مساجد است، اما دلیل متقنی برای آن ارائه نکرده‌اند و آنچه آورده‌اند تنها برداشت‌های شخصی یا استناد به قول صحابه است و اگر هم به بعضی از احادیث استناد شده، یا جعلی بودن آن ثابت است یا اینکه بر مقصود دلالت ندارد.

دیدگاه امامیه درباره مصادیق بیوت

دیدگاه عموم مفسران

مفسران امامیه عموماً با اتکا بر احادیث متعددی که به آنها اشاره خواهد شد، بیوتی غیر از مساجد را نیز مصداق آیه شریفه دانسته‌اند.

ابوحمره ثمالی ثابت بن دینار (م ۱۵۰ ق.) از اصحاب معروف امام سجّاد، امام باقر، امام صادق و امام کاظم علیهم‌السلام، به استناد حدیث شریف: «إِنَّكَ بَيْنَ يَدَيِ بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ»^{۱۵} وجود مقدس ائمه معصومین علیهم‌السلام را مصداق آیه شریفه دانسته است. (ابوحمره ثمالی، ۱۴۲۰ ق، ص ۲۵۳)

شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق.) تنها به بیان دو دیدگاه معروف اهل سنت اکتفا کرده است. او می‌گوید: «طبق نظر ابن عباس، حسن و مجاهد، از بیوت، مساجد اراده شده است و عکرمه گفته که سایر بیوت مراد است». (طوسی، بی تا، ج ۷، ۴۴۰)

امین الاسلام طبرسی (م ۴۸۶ ق.) از بین دیدگاه‌های مختلف به سه دیدگاه اشاره می‌کند: ۱. عموم مساجد؛ ۲. چهار مسجد معروف؛ ۳. بیوت پیامبران. وی دیدگاه اول را، که به ابن عباس، حسن، مجاهد و جبائی منسوب کرده است، با حدیث: «المساجد بیوت الله في الأرض...» و دیدگاه سوم را با حدیث ثعلبی تقویت کرده است. (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۷، ۲۲۷) در حدیث ثعلبی نیز ملاحظه شد که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بیت امیر مؤمنان، علی علیه‌السلام و حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام را از مصادیق

بیوت انبیا علیهم السلام برشمرده است. شیخ طبرسی رحمته الله در تأیید دیدگاه اخیر به آیات شریفه: «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب: ۳۳) و «قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» (هود: ۷۳)،^{۱۷} نیز استناد کرده و پس از آن گفته است: «در این صورت به رفعت بیوت مطلق پیامبران و اوصیای آنان اجازه داده شده است» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۲۷). امین الاسلام رحمته الله در ادامه یادآور می‌شود که مراد از رفع بیوت، تعظیم آنها و پاکیزه نگه داشتنشان از لوث هرگونه آلودگی ظاهری و پرهیز از ارتکاب هر نوع معصیت در آن مکان‌های مقدس است. وی همچنین بردن هرگونه حاجت و نیاز را به درگاه خدای متعال، یکی دیگر از اقوال مطرح در این باره برمی‌شمارد (همانجا).

سید شرف‌الدین استرآبادی (م ۹۴۰ ق.) گفته است: «با توجه به احادیث ذیل آیه شریفه، از بیوت، بیوت پیامبران و اوصیای آنان علیهم السلام اراده شده است» (حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ ق، ص ۳۵۸). فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ ق.) با استناد به حدیث: «هي بيوت النبي» (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۸، ۳۳۱) و حدیث: «هي بيوت الأنبياء والرسل والحكماء وأئمة المهدي» (همان، ۱۴۰۷ ق، ج ۸، ۱۱۹) و دو حدیث دیگر، گفته است: «بیوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بیوت پیامبران علیهم السلام، ائمه معصومین علیهم السلام و حکیمان مراد است». (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲، ۸۴۹؛ همو، ۱۴۱۵ ق، ج ۳، ۴۳۶)

علامه مجلسی (م ۱۱۱۰ ه.ق.)، گفته است:

احتمال دارد از بیوت، معنای معنوی آن اراده شده باشد؛ زیرا در میان عرب و عجم شایع است که از نسب‌های باکرامت و حسب‌های باشرافت به بیوت تعبیر می‌شود و احتمال هم دارد که معنای ظاهری آن مراد باشد؛ یعنی خانه‌های مسکونی پیامبران و ائمه علیهم السلام در زمان حیاتشان، و مراقد مطهر آنان علیهم السلام بعد رحلتشان (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۳، ص ۳۲۶).

از مفسران معاصر، علامه طباطبایی رحمته الله مساجد را از مصادیق یقینی بیوت دانسته است: «از مصادیق یقینی این بیوت، مساجد است که آماده‌اند تا ذکر خدا در آنها گفته

شود و صرفاً برای این کار ساخته شده‌اند». (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۱۲۶)
 علامه برای اثبات دیدگاه یادشده به آیه شریفه: «وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا»
 (حج: ۴۰)، استدلال کرده (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۱۴۲) و در ادامه با تکیه
 به روایات، بیوت پیامبران عليهم السلام و اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را نیز از مصادیق آیه شریفه
 دانسته است. (ر.ک: همان، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۱۴۲)

لکن دلالت آیه شریفه بر دیدگاه یادشده محل تأمل است؛ زیرا اینکه گفته شود
 چون مساجد برای یاد خدای متعال ساخته شده‌اند، پس مراد اصلی و اولی از کلمه
 بیوت در آیه «رفع بیوت» مساجد است، پذیرفته نیست؛ چون پیش‌تر نیز گذشت که:
 اولاً، یاد خدای متعال به مساجد اختصاص ندارد؛ بلکه به سفارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در
 بیوت مسلمانان نیز خدای متعال یاد می‌شود؛ ثانیاً، در لغت، بین کلمه بیت و کلمه
 مسجد تفاوت معنایی وجود دارد و در آیات قرآن نیز این تفاوت معنایی لحاظ شده
 است؛ ثالثاً، طبق حدیث معروف «جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَطَهُورًا» (بخاری، ۱۴۲۲ق،
 ج ۱، ص ۹۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۳۸) و حدیث «وَجَعَلْتُ لَكَ وَلِأُمَّتِكَ الْأَرْضَ
 كُلَّهَا مَسْجِدًا وَتُرَابَهَا طَهُورًا» (صندوق، ۱۳۶۲ش، ج ۲، ص ۴۲۶)، که همه زمین برای
 پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان مسجد است، می‌باید همه زمین نیز مصداق بیوت در آیه «رفع
 بیوت» باشد، درحالی که چنین نیست.

آیت‌الله جوادی آملی علاوه بر مساجد و بیوت اهل بیت عليهم السلام، مشاهد مشرفه و
 خانه‌ای را که در آن قرآن تلاوت می‌شود نیز از مصادیق «بیوت» برشمرد است:
 «مساجد، مشاهد مشرفه، خانه‌های اهل بیت عليهم السلام، خانه‌ای که در آن قرآن تلاوت
 می‌شود، از بیوت خاصی است که مشمول آیه «فِي بُيُوتٍ أَدْنَى اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ...» است». (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۴)

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز مراد از بیوت را اعم از مساجد، بیوت پیامبران، بیوت
 اهل بیت عليهم السلام و غیر آن دانسته و در این باره گفته است:

اینکه منظور از «بیوت» چیست، پاسخ آن از ویژگی‌هایی که ذیل آیه ذکر شده است، روشن می‌شود... این ویژگی‌ها نشان می‌دهد که این بیوت همان مراکزی است که به فرمان پروردگار استحکام یافته و مرکز یاد خدا می‌باشد و حقایق اسلام و احکام خدا از آن نشر می‌یابد و در این معنای وسیع و گسترده، مساجد، خانه‌های انبیا و اولیا، مخصوصاً خانه پیامبر ﷺ و خانه علی علیه السلام جمع است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۴، ص ۴۸۳)

آیت‌الله مکارم دیدگاه کسانی که «بیوت» را در مساجد یا در بیوت انبیا ﷺ منحصر می‌دانند، دیدگاهی بدون دلیل می‌داند و معتقد است روایات ذیل آیه شریفه تنها در صدد بیان مصداق‌های واضح‌اند؛ نه در صدد تعیین مصداق. از این رو هر مکانی که به فرمان خدا برپا، و نام خدا در آن برده می‌شود، می‌توان گفت که مصداق آیه شریفه است (ر.ک: همان، ۱۳۷۴ش، ج ۱۴، ص ۴۸۲ - ۴۸۳)، و چون بیوت اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ ویژگی‌های یادشده در آیه ۳۶ سوره شریفه نور و آیه قبل و بعد از آن را در عالی‌ترین مرتبه دارند، از این رو هم‌ردیف برترین بیوت پیامبران ﷺ می‌باشند. (همو، ۱۴۲۶ ق، ج ۹، ص ۳۰۹)

بیوت خاص

تا اینجا دیدگاه‌هایی بررسی شد که مصداق «بیوت» در آیه شریفه را فقط مساجد یا اعم از مساجد و سایر خانه‌ها می‌دانستند. در مقابل، دیدگاه کسانی قرار دارد که معتقدند از بیوت اصلاً مساجد اراده نشده است، بلکه منظور از بیوت، فقط خانه‌هایی است که از ویژگی‌های یادشده در آیه شریفه برخوردارند.

گفتنی است آیت‌الله سبحانی از معدود صاحب نظرانی است که درباره آیه شریفه تحقیقی عمیق و جامع داشته و در آثار متعدد خود دیدگاه مزبور را تقویت کرده است. ایشان پس از تصریح به اینکه: «به طور مسلم مقصود از بیوت، مساجد نیست؛ بلکه مقصود، بیوت انبیا و اولیای الهی است» (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۴ش، ص ۲۰۲)، دلایل فراوانی در اثبات آن ارائه کرده است. (همو، ۱۳۷۹ش، ص ۳۳۴؛ همو، ۱۳۸۳،

ج ۵، ص ۷۵۲؛ همو، ۱۳۸۴، ص ۲۰۲ - ۲۰۴ و ۲۰۹، همو، ۱۴۱۹ق، ص ۳۰۸)
در اینجا نخست به بررسی دلایلی که در اثبات دیدگاه یادشده بیان گردیده،
می‌پردازیم و سپس به شبهات پیرامون آن پاسخ می‌دهیم.

بررسی و تحلیل ادله

۱. بر اساس منابع لغوی واژه «بیوت»، جمع «بیت» به معنای منزل و مسکن،
است. ابن منظور می‌گوید: «بیت، منزل مرد و خانه اوست». (ابن منظور، ۱۴۱۴ق،
ج ۲، ص ۱۴) راغب در مفردات می‌گوید: «بیت، پناهگاه شبانه انسان است». (راغب،
بی‌تا، ص ۱۵۱)

طبق این تعریف، تفسیر بیوت در آیه شریفه به مساجد صحیح نیست؛ زیرا مساجد
مکان‌هایی عمومی است که برای عبادت در نظر گرفته شده است؛ نه جایی برای
اقامت شبانه انسان؛ چه اینکه در تعریف اصطلاحی مسجد آمده است: «كُلُّ مَوْضِعٍ
يُمْكِنُ أَنْ يُعْبَدَ اللَّهُ فِيهِ وَيَسْجَدَ لَهُ يَسْمًى مَسْجِدًا»؛ «هر مکانی که در آن عبادت خدای متعال و
سجده بر او وجود داشته باشد، مسجد گفته می‌شود» (قرطبی، ۱۳۸۴ق، ج ۲، ص ۷۸)
و بر فرض که از بیت، مفهوم مسجد نیز اراده شود، این معنایی دور از ذهن است که
جز با قرینه فهمیده نمی‌شود. (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۱ق، ۳۳۴؛ همو، ۱۳۸۴، ص ۲۰۲)
افزون بر این، بیت بر بنایی اطلاق می‌شود که اطراف آن دیوار، و روی آن سقف
باشد. در حالی که در اطلاق مسجد بر یک مکان، وجود دیوارهای اطراف کفایت
می‌کند. (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۷۵۲، همو، ۱۳۸۴، ص ۲۰۳ و ۲۰۴)

بر این ادعا قرائن متعددی اقامه شده است:

الف) آیه شریفه: «وَلَوْ لَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ
لَبُيُوتِهِمْ سُقُفًا مِنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ» (زخرف: ۳۳)،^{۱۸} که از آن ضرورت
وجود سقف در تحقق مفهوم بیت استفاده می‌شود (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۳، ج ۵،

ص ۷۵۱ و ۷۵۲؛ همو، ۱۳۸۴، ص ۲۰۳ - ۲۰۴)؛

ب) در قرآن کریم بر مسجد الحرام و مسجد قبا، مسجد اطلاق شده است: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ...» (اسرا: ۱)، ۱۹ «لَمَسْجِدُ أُسُسٍ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ» (توبه: ۱۰۸)، ۲۰ در حالی که این دو مسجد در زمان نزول آیه شریفه مسقف نبوده‌اند و حتی اکنون نیز بخش اولیه مسجدالحرام غیر مسقف است؛

ج) درباره مسجد رسول خدا ﷺ نیز گفته شده که در سال‌های اولیه، مسقف نبود و مسلمانان از شدت حرارت هوا به حضرت ﷺ شکایت می‌کردند: «وَلَمْ يَسْطَحْ فَشَكُوا الْحَرَّ». (عامری حررضی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۷؛ صالحی شامی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۳۸) بنابراین هرگاه در قرآن کریم، یا در متون روایی یا سایر منابع، واژه «مسجد» و واژه «بیت» به کار رفته باشد، لازم است هریک بر معنای لغوی خود حمل شود؛ الا اینکه قرینه‌ای معتبر بر خلاف آن وجود داشته باشد. ولی در آیه شریفه «فِي بَيْوتٍ» چنین قرینه‌ای نیست.

۲. با مقایسه آیاتی که واژه‌های مسجد و بیت در آنها به کار رفته، نیز به دست می‌آید که در قرآن کریم از این دو واژه معنای واحدی اراده نشده است. بلکه هرگاه عبادتگاه‌های عمومی مراد بوده از اصطلاح مسجد استفاده شده و هرگاه سکونت و مأوا گزیدن مراد بوده از واژه بیت استفاده شده است. با بررسی ۲۸ مورد در قرآن کریم که واژه مسجد و مشتقات آن به کار رفته و ۶۶ مورد که واژه بیت یا مشتقات آن به کار رفته، درستی مطلب یادشده تأیید می‌شود. (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۴، ص ۲۰۳، همو، ۱۴۱۹ق، ص ۳۰۸) ۲۱

۳. وجود احادیث فراوان ذیل آیه شریفه که افزون بر کثرت و تضافر، بر معنای یادشده (اراده شدن بیوت خاص) دلالت صریح نیز دارند که در اینجا در حد گنجایش نوشتار به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

- حدیث معروف انس و بریده که قبلاً گذشت. ۲۲ و ۲۳

- شبیه حدیث یادشده را حاکم حسکانی نیز از ابو برزه از پیامبر اکرم ﷺ روایت کرده است: «قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ [أَبَيْتُ] عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ مِنْهَا قَالَ: مَنْ أَفْضَلُهَا»، «گفته شد: آیا خانه علی علیه السلام و فاطمه علیه السلام از آنها است؟» فرمود: «از برترین آنهاست» (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ۵۳۲).

- ابن عباس گفته است:

در مسجد رسول خدا ﷺ بودم که یک نفر قاری، آیه «فِي بُيُوتٍ...» را قرائت کرد. عرض کردم: «ای رسول خدا! منظور کدام بیوت است؟» «فَقَالَ: بُيُوتُ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَوْمًا بِيَدِهِ إِلَى بَيْتِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ»؛ «فرمود: بیوت پیامبران علیه السلام و در آن حال با دست مبارک خود به سمت خانه فاطمه علیه السلام اشاره کرد». (شاذان قمی، ۱۳۶۳، ص ۱۰۴)

- امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه، فرموده است: «هِيَ بُيُوتُ الْأَنْبِيَاءِ وَبَيْتُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْهَا»؛ «مراد از بیوت در آیه شریفه، خانه‌های پیامبران علیه السلام است که خانه علی علیه السلام نیز در شمار آنهاست» (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۰۴).

- آن حضرت علیه السلام در روایتی دیگر فرموده است: «هِيَ بُيُوتَاتُ الْأَنْبِيَاءِ وَالرُّسُلِ وَالْحُكَمَاءِ وَأُمَمٌ أُهْدِي»، «منظور، بیوت پیامبران علیه السلام، رسولان علیه السلام، حکما و امامان هدایت علیه السلام است». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۱۹) ۲۴

- ایشان در حدیث دیگری پس از آنکه کسانی را که ولایت خدای متعال را در غیر محل خود قرار داده‌اند، سرزنش کرده، فرموده است:

قطعاً حجت خدای متعال تنها در خاندان حضرت ابراهیم علیه السلام قرار گرفته است؛ به دلیل اینکه خدای متعال می‌فرماید: «در حقیقت، ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و به آنان ملکی بزرگ بخشیدیم». بنابراین فقط پیامبران و اهل بیوتات آنان، حجت خدای متعال [بر مردم] تا روز قیامت می‌باشند (همانجا). ۲۵

- ابوبصیر گفته است از امام صادق علیه السلام درباره این فرموده خدای متعال «فی بیوت...» سؤال کردم، فرمود: مراد، بیوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است: «قَالَ: هِيَ بُيُوتُ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله». (همان، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۳۳۱)

- امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود:

مراد، بیوت آل محمد صلی الله علیه و آله است، یعنی بیت [امام] علی علیه السلام، [حضرت] فاطمه علیه السلام، [امام] حسن علیه السلام، [امام] حسین علیه السلام، حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام «قَالَ بَيُوتُ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله، بَيْتُ عَلِيٍّ علیه السلام وَفَاطِمَةَ علیه السلام وَالحُسَيْنَ علیه السلام وَالحَمَزَةَ علیه السلام وَجَعْفَرَ علیه السلام». (حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۵۹)

- محمد بن فضیل گفته است:

از امام کاظم علیه السلام یا امام رضا علیه السلام ^{۲۶} درباره مصداق بیوت در آیه شریفه سؤال کردم. آن حضرت علیه السلام فرمود: «بُيُوتُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله ثُمَّ بُيُوتُ عَلِيٍّ علیه السلام مِنْهَا»؛ «بیوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مراد است، سپس بیوت علی علیه السلام نیز از آنهاست». (همانجا؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۳، ص ۳۲۵ و ۳۲۶)

- امام موسی بن جعفر علیه السلام از پدر بزرگوارش علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

مراد از «بیوت» در آیه «فی بیوت...» آل محمد صلی الله علیه و آله است و مراد از رجال در آیه «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ...» نیز همان ها هستند و خدای متعال افراد دیگری را با آنان مخلوط نکرده است: «هُمُ الرِّجَالُ لَمْ يَخْلُطِ اللَّهُ مَعَهُمْ غَيْرُهُمْ». (حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۵۹)

دلالت احادیث فوق بر معنای یادشده صریح است؛ زیرا با آنکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام در مقام بیان و تفسیر آیه شریفه بوده‌اند، در عین حال تنها از بیوت پیامبران علیهم السلام و بیوت اهل بیت علیهم السلام یاد کرده‌اند و از مساجد و سایر اماکن سخنی به میان نیاورده‌اند.

۴. دلیل دیگر بر اینکه از آیه شریفه بیوت خاص اراده شده است، بیان شدن علل

رفعت است؛ زیرا آیه شریفه می‌فرماید این بیوت از آن رو رفعت یافته‌اند که در آن خانه‌ها بزرگ‌مردانی است که امور دنیایی هرگز آنان را از یاد خدا و نماز و زکات غافل نمی‌کند، پیوسته خداوند را تحمید، تسبیح و تهلیل می‌کنند. (سبحانی تبریزی، بی‌تا، ص ۴۱؛ همو، ۱۳۸۴، ص ۲۰۵)

به بیان دیگر آیات ۳۶ و ۳۷ سوره نور بر این دلالت دارد که علت رفعت یافتن بیوت این است که در آنها کسانی هستند که به کمال اخلاص رسیده‌اند. دلیل کمال اخلاص آنان نیز این است که خدای سبحان، اهل بیوت را به عدم غفلت از یاد او و عمل صالح ستوده است و لازمه چنین مقامی محجوب نبودن از یاد خدا و عدم توجه به غیر اوست و این مقام مخصوص مُخْلِصین است. (طباطبایی، ۱۳۸۴، ص ۲۶۸)

مُخْلِصین در قرآن کریم به ویژگی‌هایی از قبیل، پذیرفته بودن توصیف آنان - و نه توصیف دیگران - از خدای متعال،^{۲۷} مصونیت از وسوسه شیطان،^{۲۸} محفوظ بودن از گناه و بدکاری،^{۲۹} ایمنی از هول و هراس‌های روز قیامت،^{۳۰} (طباطبایی، ۱۳۸۴، ص ۲۶۸) ستوده شده‌اند و هر یک از این ویژگی‌ها دلیل بر عصمت آنان است.

۵. کلمه «فِی بُیوتٍ» متعلق به «نورٌ علی نورٍ» در آیه قبل است؛ یعنی این انوار در حال حیات و ممات در بیوتی مستقر شده‌اند که دارای رفعت و عظمت‌اند؛ خواه منازل آنان که در آن سکونت داشته‌اند و خواه بقاع متبرکه آنان که محل دفن این انوار است. شاهد آن معجزات بسیاری است که پیوسته از این بقاع شریفه ظاهر می‌شود و برکات فراوانی است که در آنها مشاهده می‌گردد و بلیاتی است که به واسطه آنها دفع می‌شود. (طیب، ۱۳۶۹، ج ۹، ص ۵۳۳)

۶. رفعت یافتن بناهای ظاهری قطعاً به سبب خود آن بیوت نیست، بلکه رفعت آنها به خاطر حقیقتی است که بیوت یادشده، آن را در بر گرفته است و آن حقیقت همان نور الهی است که در آیه قبل در قالب تمثیل بیان شده است: «اللَّهُ نورٌ... فِی بُیوتٍ» و این نور الهی، یعنی نور رسالت، ولایت و خلافت کلی الهی، در سینه

بزرگ مردانی قرار گرفته است که آیه شریفه به خوبی آنان را توصیف کرده است و آن پیامبران و اوصیای آنان می باشند که در رأس همه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اوصیای گرامی آن حضرت است. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۱، ص ۱۶۵ و ۱۶۶)

احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام ادعای مزبور را تأیید می کند؛ از جمله اینکه امام باقر علیه السلام فرموده است: «نُورٌ عَلَى نُورٍ؛ يَعْنِي إِمَامًا مُؤَيَّدًا بِنُورِ الْعِلْمِ وَالْحِكْمَةِ فِي إِثْرِ إِمَامٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام». (صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۱۵۸) ۳۱ امام صادق علیه السلام در پاسخ فضیل بن یسار که از معنای «نور علی نور» سؤال می کند، می فرماید: «الإمامُ في إثرِ الإمامِ عليه السلام»؛ «امام پس از امام» (همانجا)، و در حدیث دیگر می فرماید: «نُورٌ عَلَى نُورٍ؛ إِمَامٌ مِنْهَا بَعْدَ إِمَامٍ» (عریضی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۱۶). ۳۲ امام رضا علیه السلام می فرماید: «فَالنُّورُ عَلَى عليه السلام ... وَحَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَبْعَثَ وَلِيَّنَا»، منظور از نور، علی علیه السلام است... و بر خدا حق است که ولی ما (امام عصر علیه السلام) را برانگیزد. (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۰۵)

۷. در روایات فراوان، بیوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام برتر از همه بیوت و مساجد، بلکه برتر از مسجدالحرام شمرده شده است و این فضیلت را نه فقط پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام، که پیروان مکتب خلفا نیز معتقدند. با آنکه بین علمای اهل سنت در برتری مکه مکرمه بر مدینه منوره یا بر عکس، اختلاف نظر است، لکن در اینکه مضجع مطهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله افضل بقاع روی زمین است اختلافی ندارند و مرقد مطهر آن حضرت صلی الله علیه و آله را حتی از خانه کعبه، آسمان ها، عرش و کرسی نیز برتر شمرده اند. (ر.ک: وزارة الاوقاف والشؤون الاسلامی، ۱۴۰۴ - ۱۴۲۷ق، ج ۳۲، ص ۱۵۶؛ الشنقیطی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ۱۴۳)

از قرآن نیز فضیلت یادشده استفاده می شود. در آیات سوره بلد، شرافت مکه مکرمه به وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیوند خورده است. مفسران در تفسیر آیات شریفه: «لَا أَقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ * وَأَنْتَ حِلُّ بِهَذَا الْبَلَدِ» (بلد: ۱ و ۲)، ۳۳ گفته اند: اینکه خدای سبحان از سویی به بلدالحرام (مکه) سوگند یاد می کند و از سوی دیگر آن

را به سکونت پیامبر ﷺ در آن مقید می‌نماید، برای این است که بفهماند شرف مکان به شرف اهل آن است. (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۳۱۳؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۳۰، ص ۲۴۳)

۸. روایات متضافری که بر زنده بودن پیامبران ﷺ در قبورشان تصریح می‌کند. ۳۴

ابوبکر بیهقی (م ۴۵۸ق.)، عالم بزرگ اهل سنت، مجموع این روایات را در کتابی با عنوان «حياة الانبياء في قبورهم»، گرد آورده است. روایاتی از قبیل حدیث معروف «الأنبياء أحياء في قبورهم يصلون»؛ «پیامبران در قبرهایشان زنده‌اند و نماز می‌خوانند» (بیهقی، ص ۷۰؛ بزار، ۲۰۰۹م، ج ۱۳، ص ۲۹۹)، صحت و قوت این حدیث به اندازه‌ای است که حدیث‌شناس معروف وهابی، ناصرالدین البانی، با آنکه در پذیرش احادیثی از این قبیل سخت‌گیر است، در عین حال نتوانسته در صحت این حدیث خللی وارد کند. از این رو درباره آن دستور به سکوت داده است. (ر.ک: آلبانی، ۱۴۳۱ق، ج ۸، ص ۱۵۴) ۳۵

نتیجه

اگرچه بیشتر مفسران و صاحب‌نظران شیعه و اهل سنت، مساجد را مصداق اصلی و اولی‌آیه شریفه «رفع بیوت» دانسته‌اند، ولی با توجه به دلایل و قراین فراوان یادشده، حق این است که مصداق اصلی و اولی «بیوت» در آیه شریفه، بیوت و مراقد مطهر پیامبران ﷺ و اولیای الهی، به ویژه بیوت و مراقد مطهر پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ است که از رفعت تکوینی برخوردارند و افزون بر این مسلمانان نیز وظیفه دارند که این بیوت را مورد تعظیم و تکریم قرار دهند. البته مساجد و بیوت مؤمنین نیز، چون خدای متعال در آنها یاد می‌شود، از طریق تنقیح مناط مشمول آیه شریفه می‌باشد.

بنابر این ادعای ابن تیمیه و وهابیان که گفته‌اند: هرگونه اجتماع برای هر قسم عبادت تنها در مساجد مشروع است، زیرا تنها مصداق بیوت در آیه «رفع بیوت» مساجدند، و سایر ادعاهای آنان در این زمینه باطل است.

پی نوشت ها

۱. به اعتقاد علمای امامیه، خانه های مزبور قطعاً از مصادیق بیوت در آیه شریفه اند، اما اینکه این شمول به نحو تعیین است یا به نحو اشتراک با مساجد، اقوال در این زمینه مختلف است و نوشتار حاضر به آن پرداخته است.

۲. آیه قبل به آیه نور معروف است: ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيُّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يَضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾. خداوند نور آسمان ها و زمین است.

مثل نور خداوند همانند چراغدانی است که در آن چراغی [پرفروغ] باشد؛ آن چراغ در حبابی قرار گیرد؛ حبابی شفاف و درخشنده همچون ستاره فروزان. این چراغ با روغنی افروخته می شود که از درخت پربرکت زیتونی گرفته شده که نه شرقی است و نه غربی. [روغنش آن چنان صاف و خالص است که] نزدیک است بدون تماس با آتش، شعله ور شود. نوری است بر فراز نوری، و خدا هر کس را بخواهد به نور خود هدایت می کند، و خداوند به هر چیزی داناست.

۳. بسیاری از مفسران آیه رفع بیوت را، همان گونه که در متن اشاره شد، مرتبط به آیه قبل (آیه

نور) دانسته اند؛ ولی برخی هم آن را به جمله بعد مرتبط می دانند. تقدیر آیه بنا بر تفسیر اول چنین است: «هذه المشكاة في بيوت» یا «هذا المصباح في بيوت» یا «هذه الشجرة المباركة في بيوت» یا «نور الله في بيوت»؛ در حالی که در تفسیر دوم «فی بیوت» را متعلق به «یسبح» می دانند که مفهوم آیه چنین می شود: «در خانه هایی که خداوند اجازه داده است آن را برافرازند، مردانی صبح و شام تسبیح خدا می گویند»؛ اما اشکال این تفسیر آن است که اولاً: با کلمه «فیها» سازگار نیست؛ زیرا تکرار محسوب می شود؛ ثانیاً: با روایاتی که در تفسیر آیه وارد شده است، نیز هماهنگ نیست (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۴، ص ۴۸۱).

۴. مردانی که نه تجارتی و نه معامله ای آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی کند. آنها از روزی می ترسند که در آن، دل ها و چشم ها زیر و رو می شود.

۵. در ادامه به بعضی از احادیث در این باره اشاره می شود.

۶. «پس جز یک خانواده با ایمان در تمام آنها نیافتیم».

۷. قرینه بودن آیه شریفه به این معناست که اراده شدن معنای خانواده از واژه بیت، درباره سایر پیامبران (علیهم السلام) نیز مسبوق به سابقه است؛ از جمله در این آیه شریفه که اراده شدن معنای خانواده از کلمه بیت واضح است.

۸. متن کامل حدیث: «مَنْ أَحَبَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَلْيَجِئْنِي وَمَنْ أَحَبَّنِي فَلْيَجِبْ أَصْحَابِي وَمَنْ أَحَبَّ أَصْحَابِي فَلْيَجِبْ الْقُرْآنَ وَمَنْ أَحَبَّ الْقُرْآنَ فَلْيَجِبْ الْمَسَاجِدَ فَإِنَّهَا أَفْنِيَةُ اللَّهِ أَبْنِيَّتُهُ، أَدْنَى اللَّهِ فِي رَفْعِهَا وَبَارَكَ فِيهَا مَيْمُونَةُ مَيْمُونُ أَهْلِهَا مَحْفُوظَةٌ مَحْفُوظٌ أَهْلُهَا هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي خَوَائِجِهِمْ هُمْ فِي مَسَاجِدِهِمْ وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ».

۹. اینکه گفته شد تا «اندازه‌ای»، از آن روست که بر فرض صحت، تنها بیان کننده این است که مساجد، بیوت الهی اند و خدای متعال اجازه رفعت آنها را داده است؛ اما اینکه منظور از بیوت در آیه شریفه، مساجد است، از این حدیث فهمیده نمی شود.

۱۰. این حدیث در تفاسیر متقدمین اهل سنت، جز در تفسیر قرطبی، و در متون روایی، جز در ترتیب الأمالی شجرى (ج ۱، ص ۱۱۵)، در کتب دیگری یافت نشد و در متون روایی شیعه نیز حدیث را تنها ابن راوندی، آن هم مرفوعاً نقل کرده و جالب توجه اینکه در آنجا به جای کلمه اصحابی، عترتی آمده است (ر.ک: لب اللباب، به نقل از مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۵).

۱۱. مطرح شدن مسئله مصباح، با توجه به مرتبط بودن آیه شریفه، با آیه قبل (آیه نور) است.

۱۲. روایت از ابن عباس نقل شده و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مستند نشده است.

۱۳. ابن کثیر می گوید: به ما گزارش شده که

کعب الاحبار پیوسته می گفت: «إِنَّ فِي التَّوْرَةِ مَكْتُوبًا: أَلَا إِنَّ بُيُوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسْجِدِ» (تفسیر القرآن العظیم، ج ۶، ص ۶۲).

۱۴. در پاورقی کتاب تأویلات اهل السنة (تفسیر ماتریدی) ج ۷، ص ۵۷۱ و ۵۷۳ از جماعتی از صحابه نام می برد که این حدیث از طریق آنان در صحاح، مسانید، سنن و... نقل شده است: «ورد هذا الحديث عن جماعة من الصحابة، وهم: جابر، وحذيفة، وأبو هريرة، وعبدالله بن عمرو، وابن عمر، وأبوذر الغفاري، وابن عباس، وأبو موسى، وأبو الدرداء، وأبو سعيد الخدري، وأبو أمامة الباهلي، والسائب بن يزيد».

۱۵. این حدیث شریف از دو طریق جداگانه از امام باقر علیه السلام روایت شده است (ر.ک: مناقب آل أبي طالب علیهم السلام، ج ۴، ص ۱۸۲؛ الکافی، ج ۶، ص ۲۵۶).

۱۶. «خدا جز این منظور ندارد که پلیدی را از شما اهل بیت ببرد و آن طور که خود می داند، پاکتان کند».

۱۷. «[فرشتگان] گفتند: آیا از امر خدا شگفتی می کنی با اینکه [شما اهل بیتی هستید که] رحمت و برکات خدا شامل حالتان است؛ چراکه او حمید و مجید است».

۱۸. «و اگر نه این بود که خواستیم مردم تحت یک نظام قرار گیرند، برای هرکس که به رحمان کفر بورزد خانه‌هایی دارای سقفی از نقره قرار می دادیم، و پله‌هایی که با آن بالا

روند، و خودنمایی کنند».

۱۹. «منزّه است آن [خدایی] که بنده‌اش را شبانگاهی از مسجدالحرام به سوی مسجدالأقصی - که پیرامون آن را برکت داده‌ایم - سیر داد».

۲۰. «مسجدی که از روز نخستین بر پایه تقوا بنا شده، سزاوارتر است که در آن [به نماز] ایستی».

۲۱. با نگاهی اجمالی به آیاتی که در آنها واژه «بیت الله» و «مسجد الحرام» آمده است درستی نکته یادشده تأیید می‌شود؛ زیرا در عموم مواردی که واژه بیت الله آمده است، خانه کعبه اراده شده؛ نه مسجد الحرام؛ مانند ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران: ۹۶)؛ ﴿وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا﴾ (بقره: ۱۲۵)؛ ﴿وَ إِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ﴾ (بقره: ۱۲۷)؛ ﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِّلنَّاسِ﴾ (مائده: ۹۷)؛ ﴿وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصَدِيَةً﴾ (انفال، ۳۵)؛ ﴿وَ إِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَن لَّا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا﴾ (حج: ۲۱)؛ ﴿وَ لِيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾ (حج، ۲۹)، ﴿ثُمَّ مَحَلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾ (حج: ۳۳).

۲۲. «...فقام إليه رجل فقال: أي بيوت هذه يا رسول الله؟ قال: بيوت الأنبياء. فقام إليه أبو بكر فقال: يا رسول الله هذا البيت منها لبیت علي

وفاطمة؟ قال: نعم من أفاضلها».

۲۳. شهید قاضی نورالله شوشتری در «احقاق الحق» این حدیث را از کتب متعددی از اهل سنت نقل کرده است. تحقیق این شهید بزرگوار بهترین دلیل بر بی‌پایگی ادعای ابن تیمیه است که می‌گوید: علمای اهل سنت به این حدیث اعتنایی نداشته‌اند: العلامة السيوطی فی «الدر المنثور» (ج ۵، ص ۵۰، ط مصر)، علامة الآلوسی فی تفسیر (روح المعانی، ج ۱۸، ص ۱۵۷، ط المنيرية بمصر)، العلامة الشيخ جمال الدين محمد بن احمد الحنفی الموصلى الشهير بابن حسنويه فی «دُرّ بحر المناقب» (ص ۱۸ مخطوط)، العلامة أبو إسحاق الثعلبی فی «الكشف و البيان» (المخطوط)، العلامة الأمر تسری فی «أرجح المطالب» (ص ۷۵، ط لاهور)، الحاكم الحسكاني فی «شواهد التنزيل» (ج ۱، ص ۴۰۹، ط بيروت)، العلامة البدخشی فی «مفتاح النجا» (ص ۱۳، مخطوط)، العلامة الشيخ ابو حفص عمر بن محمد البغدادي فی «عوارف المعارف» (ص ۲۶۱)، العلامة السيد شهاب الدين احمد بن عبدالله الحسيني الشافعي فی كتاب «توضيح الدلائل» (ص ۱۶۳ و النسخة مصورة من مكتبة الملى بفارس)، (ر. ک: احقاق الحق، ج ۳، ص ۵۵۸ و ج ۹، ص ۱۳۷، ۱۳۸ و ج ۱۴، ص ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳ و ج ۲۰، ص ۷۳).

۲۴. تذکر این نکته لازم است که مراد از حکما در حدیث شریف، معنای اصطلاحی آن که

بر فلاسفه اطلاق می شود، نیست، بلکه در جملات قبل تصریح شده است که منظور، کسانی اند که عهده دار ولایت خدای متعال می باشند: «فَأَمَّا الْكِتَابُ فَهُوَ النَّبُوءُ وَأَمَّا الْحِكْمَةُ فَهُمْ الْحُكَمَاءُ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ مِنَ الصَّفْوَةِ» و «فَهَذَا شَأْنُ الْفُضَّلِ مِنَ الصَّفْوَةِ وَالرُّسُلِ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْحُكَمَاءِ وَأَيْمَةُ الْهُدَى وَالْخُلَفَاءِ الَّذِينَ هُمْ وَلَاةُ أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» (الکافی، ج ۸، ص ۱۱۸).

۲۵. «إِنَّمَا الْحُجَّةُ فِي آلِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» (نساء: ۵۴)، فَالْحُجَّةُ الْأَنْبِيَاءُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَهْلُ بُيُوتَاتِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ».

۲۶. محمد بن فضیل گفته است: «سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ وَلِي مَعْلُومٌ نِسْتُ مَنْظُورٌ أَوْ مِنْ أَبِی الْحَسَنِ، إِمَامِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَسْتَ یَا إِمَامَ عَلِی بْنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ».

۲۷. «سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ * إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ» (صافات: ۱۵۹ و ۱۶۰)

۲۸. «فَبِعِزَّتِكَ لَا تُغْوِيَهُمْ أَجْمَعِينَ * إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلَصِينَ» (ص: ۸۲ و ۸۳)

۲۹. «كَذَلِكَ لِيُصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ» (یوسف: ۲۴)

۳۰. «فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ * إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ» (صافات: ۱۲۷ و ۱۲۸)

۳۱. «نوری بر فراز نوری، یعنی امامی از اهل

بیت علی علیه السلام که به علم و حکمت تأیید شده، پس از امامی [دیگر] از آنان است و این [امامت] از زمان حضرت آدم علیه السلام تا برپایی قیامت است».

۳۲. «معنای نوری بر فراز نور، یعنی امامی از اهل بیت علی علیه السلام بعد از امام دیگری».

۳۳. «گو اینکه حاجت به سوگند نیست، ولی به این شهر (مکه) سوگند می خورم؛ شهری که تو در آن ساکن هستی».

۳۴. گفتنی است مراد از «قبور» در این گونه روایات، قبر ظاهری و مادی نیست، بلکه منظور عالم برزخ است؛ لکن علت اشاره به این روایات در اینجا از باب الزام مخالف است؛ زیرا از سویی ابن تیمیه و وهابیان به شدت با تأویل آیات و روایات مخالفاند و از سوی دیگر این روایت به صراحت، حیات در قبور را برای پیامبران علیهم السلام ثابت می کند.

۳۵. «هذا الحديث من أنباء الغيب التي لا يجوز للمسلم أن يعمل عقله فيها بل من الواجب عليه أن يسلم بها تسليماً... فالراجع عندي أنه صحيح ومذكور في سلسلة الأحاديث الصحيحة ومخرج تحريجا علميا... فإذا صلاة الأنبياء في قبورهم عقيدة صحيحة يجب على المسلم أن يؤمن بها لكن لا يتوسع في محاولة تكييف هذه الصلاة».

فهرست منابع

الف: كتب

* قرآن كريم

١. الألوسی، شهاب الدین محمد بن عبدالله (١٤١٥ق.)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، بیروت، دارالکتب العلمیة.
٢. ابن ابی حاتم، عبدالرحمان بن محمد (١٤١٩ق.)، تفسیر القرآن العظیم (تفسیر ابن ابی حاتم)، محقق: طیب، اسعد محمد، عربستان - ریاض، مكتبة نزار مصطفى الباز، چاپ سوم.
٣. (١٢٧١ق.)، الجرح و التعديل، بیروت، مجلس دائرة المعارف العثمانية، حيدر آباد الدکن، الهند، دارإحياء التراث العربی، الأولى.
٤. ابن الصلاح، عثمان بن عبدالرحمان (١٤٠٦ق.)، معرفة أنواع علوم الحديث، ويعرف بمقدمة ابن الصلاح، محقق: نور الدين عتر، سوريا، دارالفکر؛ بیروت، دارالفکر المعاصر.
٥. ابن تيمیه، احمد بن عبدالحليم (١٤٠٨ق.)، الفتاوى الكبرى، بی جا، دارالکتب العلمیة، الطبعة الأولى.
٦. _____ (١٤١٦ق.)،

مجموع الفتاوى، المدينة النبوية، مجمع

الملک فهد لطباعة المصحف الشريف.

٧. _____ (١٤٠٦ق.)،

منهاج السنة النبوية فی نقض کلام الشيعة

القدرية، محقق: محمد رشاد سالم، بی جا،

جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية.

٨. ابن حبان، محمد بن حبان الدارمی

(١٣٩٦ق.)، المجروحین من المحدثین

والضعفاء والمتروکین، محقق: محمود

إبراهيم زايد، حلب، دارالوعی، الطبعة

الأولى.

٩. ابن خزيمة، محمد بن إسحاق (بی تا)،

صحیح ابن خزيمة، محقق: د. محمد

مصطفى الأعظمی، بیروت، المكتب

الإسلامی.

١٠. ابن عاشور، محمد الطاهر التونسي

(١٩٨٤ق.)، التحرير والتنوير «تحرير

المعنى السديد وتنوير العقل الجديد

من تفسیر الكتاب المجید»، تونس، الدار

التونسية للنشر.

١١. ابن عبد الوهاب، عبدالله بن محمد

(١٤٢٠ق.)، الكلمات النافعة فی مکفرات

الواقعة، محقق: عبدالعزيز ومحمد العبدالله

الجميع، بی جا، بی نا، الطبعة الرابعة.

١٢. ابن عدی، أبوأحمد بن عدی الجرجانی

(١٤١٨ق.)، الكامل فی ضعفاء الرجال،

محقق: عادل أحمد الموجود و على محمد معوض، بيروت، الكتب العلمية - الطبعة الأولى.

١٣. ابن عربى، ابو عبدالله محيى الدين محمد (١٤٢٢ ق.)، **تفسير ابن عربى (تأويلات عبدالرزاق)**، محقق: سمير مصطفى رباب، بيروت، داراحياء التراث العربى، چاپ اول.
١٤. ابن منظور، محمد بن مكرم (١٤١٤ ق.)، **لسان العرب**، بيروت، دارصادر، الطبعة الثالثة.

١٥. ابو حمزه ثمالى، ثابت بن دينار (١٤٢٠ ق.)، **تفسير القرآن الكريم**، محقق: عبدالرزاق محمد حسين حرزالدين / محمد هادى معرفت، بيروت، دارالمفيد، چاپ اول.
١٦. الأبيارى، إبراهيم بن إسماعيل (١٤٠٥ ق.)، **الموسوعة القرآنية**، بى جا، مؤسسة سجل العرب.

١٧. أحمد مختار عبدالحميد (١٤٢٩ ق.)، **معجم اللغة العربية المعاصرة**، بى جا، عالم الكتب، الطبعة الأولى.

١٨. الألبانى، محمد ناصرالدين (١٤٣١ ق.)، **موسوعة الالبانى فى العقيدة**، محقق: التراث و الترجمة، صنعاء، اليمن، مركز النعمان للبحوث والدراسات الإسلامية، الطبعة الأولى.

١٩. البخارى الجعفى، محمد بن اسماعيل

(١٤٢٢ ق.)، **صحيح البخارى (الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله ﷺ وسننه وأيامه)**، محقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، بى جا، دارطوق النجاة، الطبعة الأولى.

٢٠. البزار، أحمد بن عمرو (٢٠٠٩ م.)، **مسند البزار (البحر الزخار)**، محقق: محفوظ الرحمان زين الله، عادل بن سعد، المدينة المنورة، مكتبة العلوم والحكم، الطبعة الأولى.

٢١. البيضاوى، عبدالله بن عمر (١٤١٨ ق.)، **أنوار التنزيل وأسرار التأويل**، محقق: محمد عبدالرحمان المرعشلى، بيروت، دارإحياء التراث العربى، الطبعة الأولى.

٢٢. البيهقى، ابوبكر أحمد بن الحسين، (١٤١٤ ق.)، **حياة الأنبياء صلوات الله عليهم بعد وفاتهم**، محقق: الدكتور أحمد بن عطية الغامدى، المدينة المنورة، مكتبة العلوم والحكم، الطبعة الأولى.

٢٣. الثعلبى، أحمد بن محمد بن إبراهيم (١٤٢٢ ق.)، **الكشف والبيان عن تفسير القرآن**، بيروت، لبنان، دارإحياء التراث العربى.

٢٤. جوادى آملی، عبدالله (١٣٨٥ ش.)، **پیامبر رحمت**، محقق: محمد کاظم بادپا، قم، اسراء.

۲۵. حسانى، عبيدالله بن عبدالله (۱۴۱۱ق.)،

شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، محقق:

محمدباقر محمودى، تهران، سازمان چاپ

و انتشارات وزارت ارشاد اسلامى، چاپ

اول.

۲۶. حسینی استرآبادی، سید شرف‌الدین علی

(۱۴۰۹ق.)، تأویل الآيات الظاهرة، قم،

دفتر انتشارات اسلامى جامعه مدرسين

حوزه علميه، چاپ اول.

۲۷. حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی

(بی‌تا)، روح البیان، بیروت، دارالفکر.

۲۸. الحلبي، علی بن ابراهيم (۱۴۲۷ق.)،

السيرة الحلبية (إنسان العيون فى سيرة

الأمين المأمون)، بیروت، دارالکتب

العلمية، الطبعة الثانية.

۲۹. الدينورى، عبدالله بن مسلم بن قتيبة

(۱۳۹۷ق.)، غريب الحديث، محقق:

عبدالله الجبوري، بغداد، مطبعة العاني،

الطبعة الأولى.

۳۰. الذهبي، محمد بن احمد (۱۳۸۷ق.)،

ديوان الضعفاء والمتروكين وخلق من

المجهولين وثقات فيهم لين، محقق:

حماد بن محمد الأنصاري، مكة، مكتبة

النهضة الحديثة، الطبعة الثانية.

۳۱. _____ (۱۳۸۲ق.)،

ميزان الاعتدال فى نقد الرجال، محقق:

على محمد الجاوى، بيروت، لبنان،

دارالمعرفة للطباعة والنشر، الطبعة الأولى.

۳۲. _____ (بی‌تا)،

المغنى فى الضعفاء، محقق: الدكتور

نورالدين عتر، بی‌جا، بی‌نا.

۳۳. الراغب الأصفهاني، الحسين بن محمد

(بی‌تا)، المفردات فى غريب القرآن،

صفوان عدنان الداودى، دمشق، بيروت،

دارالقلم، الدار الشامية.

۳۴. الزحيلي، وهبة بن مصطفى (۱۴۱۸ق.)،

التفسير المنير فى العقيدة والشرعية

والمنهج، دمشق، دارالفكر المعاصر، الطبعة

الثانية.

۳۵. سبحانى تبريزى، جعفر (۱۳۸۴ق.)،

التوحيد والشرك فى القرآن الكريم، قم،

مؤسسه امام صادق عليه السلام.

۳۶. _____ (۱۳۸۳ش.)،

رسائل و مقالات، قم، مؤسسة الإمام

الصادق عليه السلام.

۳۷. _____ (۱۳۷۵ش.)،

صيانة الآثار الاسلامية، قم، مشعر.

۳۸. _____ (۱۴۱۹ق.)،

العقيدة الاسلامية على ضوء مدرسة اهل

البيت عليهم السلام، قم، مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام.

۳۹. _____ (۱۳۷۹ش.)،

فى ظلال التوحيد، قم، مشعر.

۴۰. _____ (۱۳۸۴ ش.)،

الوهابیه بین المبانی الفکریه و النتائج
العملیه، قم، مؤسسه تعلیماتی و تحقیقاتی
امام صادق (ع).

۴۱. _____ (بی تا)،

الوهابیه فی المیزان، قم، مؤسسه الإمام
الصادق (ع).

۴۲. السيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر (بی تا)،
الدر المثور، بیروت، دارالفکر.

۴۳. شاذان قمی، شاذان بن جبریل (۱۳۶۳ ش.)،
الفضائل، قم، رضی، چاپ دوم.

۴۴. الشنقيطي، محمد الخضر (۱۴۱۵ ق.)،
كوثر المعاني الدراري فی كشف
خبايا صحيح البخاري، بیروت، مؤسسه
الرسالة، الطبعة الأولى.

۴۵. صادقی تهرانی محمد (۱۳۶۵ ش.)،
الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم،
انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.

۴۶. صافی، محمود بن عبد الرحیم (۱۴۱۸ ق.)،
الجدول فی إعراب القرآن الکریم، دمشق،
دار الرشید، بیروت، مؤسسه الإيمان، الطبعة
الرابعة.

۴۷. الصالحی الشامی، محمد بن یوسف
(بی تا)، سبل الهدی والرشاد، فی سیره
خیر العباد، عادل أحمد عبدالموجود، علی
محمد معوض، بیروت، لبنان، دارالکتب

العلمية.

۴۸. صدوق، محمد بن علی بن بابویه
(۱۳۹۸ ق.)، التوحید، محقق: هاشم حسینی،
قم، جامعه مدرسین، چاپ اول.

۴۹. _____ (۱۳۶۲ ش.)، الخصال، محقق و مصحح:
علی اکبر، غفاری، قم، جامعه مدرسین،
چاپ اول.

۵۰. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۸۴ ش.)،
الإنسان والعقيدة، محقق و مصحح: علی
اسدی، صباح ربیعی، اسدی، قم، باقیات،
چاپ دوم.

۵۱. _____ (۱۴۱۷ ق.)،
المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر
انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه
علمیه قم، چاپ پنجم.

۵۲. الطبرانی، سلیمان بن أحمد (بی تا)،
المعجم الكبير، محقق: حمدی بن
عبدالمجید السلفی، القاهرة، مكتبة ابن
تیمة، الطبعة الثانية.

۵۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ش.)،
تفسیر الطبری (مجمع البیان فی تفسیر
القرآن)، تهران، انتشارات ناصر خسرو،
چاپ سوم.

۵۴. الطبری، ابوجعفر محمد بن جریر
(۱۴۲۰ ق.)، جامع البیان فی تأویل القرآن،

مؤسسة الرسالة.

۵۵. طوسی، محمد بن حسن (بی تا) **التبیان فی**

تفسیر القرآن، محقق: احمد قصیر عاملی،
بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۵۶. طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹ ش.)، **اطیب**

البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلام،
چاپ دوم.

۵۷. العامری الحرّضی، یحیی بن أبی بکر

(بی تا)، **بهجة المحافل وبغية الأماثل فی**
تلخیص المعجزات والسير والشمال،
بیروت، دار صادر.

۵۸. عریضی، علی بن جعفر (۱۴۰۹ ق.)،

مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها،
محقق: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء
التراث، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام، چاپ
اول.

۵۹. العسقلانی، احمد بن علی بن حجر

(۱۳۹۰ ق.)، **لسان المیزان**، محقق: دائرة
المعرف النظامية، الهند، بیروت، لبنان،
مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، الطبعة الثانية.

۶۰. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق.)،

مفاتيح الغیب (التفسیر الكبير)، بیروت،
دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة.

۶۱. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۸ ق.)،

الأصفی فی تفسیر القرآن، محقق:
محمد حسین درایتی و محمد رضا نعمتی،

قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی،

چاپ اول.

۶۲. _____ (۱۴۱۵ ق.)،

تفسیر الصافی، محقق: حسین اعلمی،
تهران، انتشارات الصدر، چاپ دوم.

۶۳. الفیومی، احمد بن محمد بن علی (بی تا)،

المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير،
بیروت، المكتبة العلمية.

۶۴. القرطبی، محمد بن أحمد شمس الدین

(۱۳۸۴ ق.)، **الجامع لأحكام القرآن (تفسیر**
القرطبی)، القاهرة، دارالکتب المصرية،
الطبعة الثانية.

۶۵. القشیری، عبد الکریم بن هوازن (بی تا)،

لطائف الإشارات (تفسیر القشیری)،
محقق: إبراهيم البسیونی، مصر، الهيئة
المصرية العامة للكتاب، الطبعة الثالثة.

۶۶. القفاری، ناصر بن عبدالله بن علی

(۱۴۲۸ ق.)، **مسألة التقريب بين أهل السنة**
والشيعة، بی جا، دار طيبة للنشر والتوزيع،
الطبعة الثالثة.

۶۷. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ ق.)، **تفسیر**

القمی، محقق: طیب موسوی جزائری، قم،
دارالکتاب، چاپ سوم.

۶۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق.)،

الکافی، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری
و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب

الإسلامية، چاپ چهارم.

۶۹. مجلسی، محمد باقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق.)، بحار الأنوار، محقق: جمعی از محققان، بیروت، دارإحياء التراث العربی، چاپ دوم.

۷۰. المرسی، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱ق.)، المحکم والمحیط الأعظم، محقق: عبدالحمید هندای، بیروت، دارالکتب العلمیة، الطبعة الأولى.

۷۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش.)، تفسیر نمونه، جمعی از نویسندگان، تهران، دارالکتب الإسلامية، چاپ دهم.

۷۲. _____ (۱۴۲۶ق.)، نفحات القرآن، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ اول.

۷۳. متدی الدراسات الحدیثیة (۱۴۲۹ق.)، بی جا، أرشیف ملتقى أهل الحديث، ش ۲، ج ۱۲ و ۳۵ و ش ۳، ج ۴۴.

۷۴. النووی، یحیی بن شرف (۱۴۰۵ق.)، التقريب والتيسير لمعرفة سنن البشير النذير فی أصول الحديث، محقق: محمد عثمان الخشت، بیروت، دارالکتب العربی، الطبعة الأولى.

۷۵. الواحدي، علی بن أحمد (۱۴۳۰ق.)، التفسير البسيط، محقق: جامعة الإمام محمد بن سعود، بی جا، عمادة البحث

العلمی، الطبعة الأولى.

۷۶. وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية (من ۱۴۰۴ - ۱۴۲۷ق.)، الموسوعة الفقهية الكويتية، ج ۳۲، مصر، مطابع دارالصفوة، الطبعة الأولى.

ب: مجلات

۷۷. مرکز پژوهش و سنجش افکار صدا و سیما، قم، (۱۳۹۴ ش.) امواج شبیهه، ش ۵۴، شهریور.

۷۸. الهالسی، محمد عبدالقادر (۱۳۰۷ش.) «مناظرة فی مسألة القبور والمشاهد»، المنار، ش ۴۶۸، فروردین.